Archive of SID.ir

چارچوب حقوقی سازمان تجارت جهانی در ایجاد تعادل بین آزادسازی تجارت خدمات بانکی و تنظیم مقررات احتیاطی

(مقاله علمی-پژوهشی)

محمدجعفر قنبری جهرمی*

مجتبی محمدی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

چکیده

سازمان تجارت جهانی برای رسیدن به هدف رشد اقتصادی، اصل آزادسازی تجارت را مقرر نموده است. کشورها با هدف رسیدن به ثبات مالی، اقدام به تنظیم مقررات احتیاطی کلان می‌نمایند. سازمان تجارت جهانی برای تحت شمول قراردادن خدمات بانکی، باید از چارچوبی برخوردار باشد که درعین‌حال که از اصل کلی آزادسازی تجارت تبعیت می‌کند، به ثبات اقتصادی کشورها لطمه وارد نکند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا مقررات سازمان تجارت جهانی می‌تواند ازیک‌طرف آزادسازی خدمات بانکی را با هدف رشد اقتصادی مقرر کند و از طرف دیگر تنظیم مقررات احتیاطی برای حفظ ثبات مالی را مجاز بداند؟ در این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی، اقدام به گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، سازمان تجارت جهانی تلاش نموده است برای ایجاد تعادل بین آزادسازی تجارت خدمات بانکی و تنظیم مقررات احتیاطی، بین اهداف رشد اقتصادی و ثبات مالی مصالحه برقرار کند. به‌این‌ترتیب، بعد از سال‌ها مناقشه، آزادسازی تجارت خدمات بانکی را به‌عنوان اصل، و تنظیم مقررات احتیاطی را به‌عنوان استثنا پذیرفته است.

کلید واژگان:

آزادسازی تجارت، مقررات احتیاطی، تعهدات عمومی، تعهدات ویژه، ثبات مالی، رشد اقتصادی.

* دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

mjg.jahromi@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

mohammadi279mm@gmail.com

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

آزادسازی تجارت از مهم‌ترین اهداف و اصول سازمان تجارت جهانی است.[1] آزادسازی تجارت در سه حوزهٔ کالا، خدمات و مالکیت فکری انجام می‌شود. آزادسازی تجاری به معنای حذف یا کاهش محدودیت‌های مقداری و غیرمقداری است. تجارت خدمات مالی یکی از حوزه‌های تحت شمول مقررات سازمان تجارت جهانی است و کشورهایی که عضو این سازمان شده‌اند یا قصد عضویت در آن را دارند، مکلف به مقررات‌زدایی در مورد موانع تجارت خدمات مالی‌اند. خدمات بانکی یکی از مهم‌ترین بخش‌های خدمات مالی است که مشمول آزادسازی قرار می‌گیرد و از کشورها انتظار می‌رود نسبت به مقررات‌زدایی در حوزهٔ بانکداری اقدام نمایند. سازمان تجارت جهانی قصد دارد با آزادسازی تجارت، به هدف «رشد اقتصادی»[2] برسد که در مقدمهٔ موافقت‌نامهٔ مؤسس این سازمان نیز به این هدف اشاره شده است تا از این طریق کشورها بتوانند اقدام به اشتغال‌زایی کنند و درآمد سرانهٔ مردم را افزایش دهند.[3] اما در نقطهٔ مقابل، کشورها با هدف حفظ «ثبات مالی»[4] و درنهایت جلوگیری از وقوع «بحران مالی»،[5] اقدام به «تنظیم مقررات احتیاطی»[6] می‌نمایند. نظام مالی و در رأس آن، حوزهٔ بانکی یکی از شاخه‌های اقتصادی است که تقریباً در تمام کشورهای جهان با تراکم مقررات مداخله‌گرانه و نظارتی مواجه است. فلسفهٔ مداخله قانونی در حوزهٔ اقتصادی، جلوگیری از شکست بازار است.

با شروع فرایند جهانی‌شدن که سبب حذف مقررات محدودکننده و آزادسازی‌های تجاری شد، موضوع تنظیم مقررات احتیاطی اهمیت مضاعفی پیدا کرد. مقررات احتیاطی، به آن دسته از مقرراتی گفته می‌شود که درصدد تضمین عملکرد صحیح بانک‌ها و نظام مالی هستند. مقررات

1 . The General Agreement on Tariffs and Trade (GATT 1947), available at: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/gatt47_01_e.htm, accessed on: 2022, May 29, Premise.

2. Economic Growth

3 . Marrakesh Declaration of 15 April 1994, available at: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/marrakesh_decl_e.htm, accessed on 2022, May 29.

۴. ثبات مالی (یا Financial Stability)، به وضعیتی اطلاق می‌گردد که در آن نظام مالی توانایی جذب منابع و دارایی‌ها دارد، بانک‌ها می‌توانند ارزیابی و مدیریت ریسک را انجام دهند و شوک‌های مالی قابل دفع هستند.

۵. بحران مالی (یا Financial Crisis)، به وضعیتی اطلاق می‌گردد که در آن ارزش دارایی‌ها به سرعت شروع به کاهش کنند؛ در حوزهٔ بانکداری این وضعیت معمولاً با هجوم مردم به سمت بانک‌ها برای خارج کردن سپرده‌های خود اتفاق می‌افتد.

6. Prudential Regulation

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

احتیاطی با دو رویکرد خُرد و کلان تنظیم می‌شوند. در تنظیم مقررات احتیاطی بر اساس رویکرد خُرد، قانون‌گذار به دنبال تضمین عملکرد مطلوب هر بانک است و در رویکرد احتیاطی کلان، قانون‌گذار به دنبال کنترل ریسک‌های سیستماتیک است که ثبات نظام مالی را به مخاطره می‌اندازد.[۱] کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی که در دور اروگوئه مذاکره می‌کردند، به‌خوبی بر اهمیت تنظیم مقررات احتیاطی آگاه بودند.[۲] چالش بزرگی که کشورها با آن مواجه بودند، این بود که تنظیم مقررات احتیاطی برای حفظ ثبات مالی لازم است؛ اما این اقدام، برخلاف آزادسازی تجاری، و مانع رسیدن به رشد اقتصادی است. بنابراین، درصورتی‌که سازمان تجارت جهانی قصد ایجاد رشد اقتصادی را داشته باشد، باید آزادسازی خدمات مالی را انجام دهد. در کفهٔ دیگر ترازو، درصورتی‌که سازمان تجارت جهانی قصد ایجاد ثبات مالی را داشته باشد، باید تنظیم مقررات احتیاطی را تجویز نماید. به سبب تعارض ظاهری بین اهداف رشد اقتصادی و ثبات مالی، سازمان تجارت جهانی نیز در ایجاد تعادل بین آزادسازی خدمات مالی و تجویز تنظیم مقررات احتیاطی به کشورها، با چالشی بزرگ مواجه بوده است. از زمان شروع فرایند جهانی‌شدن اقتصاد و آزادسازی خدمات مالی، بحران‌های بانکی گریبان‌گیر اقتصاد جهان شده است. به‌نحوی‌که آزادسازی خدمات مالی را متهم ردیف اول تکرار بحران‌های مالی می‌دانند.[۳]

مطالعه درخصوص نقش بانک‌ها در ثبات مالی و شاخص‌های رسیدن به رشد اقتصادی از حوصلهٔ پژوهش حاضر خارج است. همچنین، با توجه به این‌که بعد از انجام مذاکره تعهدات الزام‌آور برای کشور ایجاد می‌شود، مقالهٔ حاضر در حیطهٔ تعهدات الزام‌آور مورد بحث قرار می‌گیرد. اما با توجه به تعارض بین آزادسازی خدمات بانکی در سازمان تجارت جهانی برای رسیدن به رشد اقتصادی ازیک‌طرف و مقررات محدودکننده اختیارات بانک‌ها برای حفظ ثبات مالی از طرف دیگر، ضروری است بررسی شود که اساساً مقررات سازمان تجارت جهانی چه حدومرزی برای مداخلهٔ قانون‌گذار ملی در حوزهٔ بانکی قائل شده است. بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا مقررات سازمان تجارت جهانی می‌تواند ازیک‌طرف آزادسازی خدمات بانکی را با

1. Alexander, K, *Principles of Banking Regulation*, Cambridge: Cambridge University Press, 2019. pp 396-399.
2. Anwesen, John, "The Prudential Carve-out Clause: is risk the new corrupt moral?", *Pen State Journal of Law & International Affairs*, Volume 4, NO 2, 2016, p 780.
3. Jain, Hansa, *Trade Liberalization, Economic Growth and Environmental Externalities*, Singapore, Palgrave Macmillan, 2017, p 2.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

هدف رشد اقتصادی مقرر کند و از طرف دیگر تنظیم مقررات احتیاطی برای حفظ ثبات مالی را مجاز بداند؟ برای پاسخ به سؤال فوق، ابتدا باید بررسی نمود که آزادسازی خدمات بانکی چطور در حیطهٔ سازمان تجارت جهانی قرار می‌گیرند و سپس تعهدات کشورهای عضو در آزادسازی خدمات بانکی بررسی شود. لذا ضروری است به دو سؤال فرعی نیز پاسخ دهیم؛ اول این‌که سابقهٔ شکل‌گیری و تحول مقررات بانکی در سازمان تجارت جهانی چگونه بوده است و در حال حاضر چه مفادی دارد؟ دوم این‌که سازمان تجارت جهانی چه تعهداتی را برای کشورها در تنظیم مقررات بانکی ایجاد می‌کند؟ به‌منظور بررسی سؤالات در بخش اول پژوهش به بررسی سابقه و مفاد مقررات بانکی در سازمان تجارت جهانی و در بخش دوم به مطالعه و استخراج تعهدات عمومی و تعهدات ویژه در سازمان تجارت جهانی می‌پردازیم.

۱. آزادسازی خدمات بانکی در سازمان تجارت جهانی

نتیجهٔ تجارت بیشتر بین کشورها، بهره وری بهینه از منابع اقتصادی، رفاه و ثروت بیشتر است. کشورها از ابتدا تمایل به آزادسازی هر چه بیشتر تجارت داشته‌اند، اما همواره ترس از به خطر افتادن منافع ملی مانعی در این مسیر بوده است.[۱] درخصوص خدمات، خیلی زود آشکار شد که رویکرد سنتی گات جوابگو نخواهد بود.[۲] آزادسازی تجارت خدمات برای کشورها از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا به‌راحتی می‌تواند منافع ملی را به مخاطره اندازد و از طرف دیگر، بعد از آزادسازی، ریسک‌هایی را برای کشورها ایجاد می‌کند که کنترل آن‌ها ممکن است به‌سادگی امکان‌پذیر نباشد. خدمات بانکی در این میان، از حساسیت‌های مضاعفی برخوردار است؛ زیرا باز کردن درهای کشور به روی خدمات بانکی کشورهای دیگر، به‌راحتی می‌تواند نظام بانکی و سیاست‌های پولی کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد.[۳] به همین سبب، این که مقررات بانکی مشمول آزادسازی‌های تجاری باشد یا خیر، همواره از دغدغه‌های مهم کشورها بوده است. در این

۱. باقری، محمود، علیرضا حجت‌زاده و محمدتقی رضایی، **اجرای اصل آزادسازی تجاری در سازمان جهانی تجارت: چالش‌ها و فرصت‌ها**، سال یازدهم، ۱۳۸۸، شماره ۲۷، صص ۱۸-۱۵.

۲. لونفلد اِف.، آندریاس، ***حقوق بین‌الملل اقتصادی***، ترجمه محمد حبیبی مجنده، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳.

۳. سپهوند، مهرداد، **آزادسازی مالی و چالش‌های بخش بانکی ایران در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی**، تازه‌های اقتصاد، سال هفتم، ۱۳۸۸، شماره ۱۲۵، ص ۸۰.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خصوص بررسی سابقهٔ شمول مقررات بانکی در سازمان تجارت جهانی و تغییراتی که تاکنون داشته است، می‌تواند به‌خوبی نشانگر رویدادهای مهم و آثار این نوع آزادسازی باشد. از طرف دیگر، نحوهٔ حضور و فعالیت بانک‌ها در یک کشور دیگر بسیار مهم بوده و به همین سبب، کشورها مفاد مقررات سازمان تجارت جهانی را به نحوی طراحی نموده‌اند که این موضوع را تحت کنترل قرار دهد. در قسمت ذیل ابتدا در مورد سابقهٔ آزادسازی خدمات بانکی در سازمان تجارت جهانی و سپس دربارهٔ چارچوب کلی تعهدات کشورها در سازمان تجارت جهانی بحث می‌شود.

۱.۱. سابقهٔ آزادسازی خدمات بانکی در سازمان تجارت جهانی

در سال ۱۹۹۴ در قالب «موافقت‌نامهٔ مؤسس سازمان تجارت جهانی»[1] یا «موافقت‌نامهٔ مراکش»[2] سازمان تجارت جهانی خلق شد. موافقت‌نامهٔ مراکش شامل تعدادی موافقت‌نامهٔ تجاری چندجانبه می‌شود و نیز ابزارهای حقوقی مرتبطی را که در ضمیمه‌های مختلف این موافقت‌نامه می‌توان یافت، در برمی‌گیرد و نسبت به تمام اعضا الزام‌آور است.[3] وقتی‌که موافقت‌نامهٔ گتس در سال ۱۹۹۵ تصویب شد، اصول آزادسازی تجاری گات به آزادسازی تجارت فرامرزی خدمات توسعه یافت.[4] اصول مبنایی گات اصلی و «برتون وودز[5]» بر این پایه استوار شده بود که آزادسازی تجاری بین‌المللی فقط در چارچوب ثبات مالی قابل تحقق است. از زمان فروپاشی نظام مالی نرخ تبدیل ارز ثابت برتون وودز در دهه ۱۹۷۰، آزادسازی و مقررات‌زدایی بازارهای مالی منجر به رشد بی‌سابقهٔ تجارت فرامرزی در خدمات مالی و انتقال سرمایه شده، اما این امر با نوسان افزایشی ارز خارجی و افزایش قابل‌توجه بحران‌های مالی و بانکی همراه شده است. در حال حاضر، مذاکرات دور دوحه در خصوص سازمان تجارت جهانی در جریان است.

---

1. Agreement Establishing the World Trade Organization
2. Marrakesh Agreement
۳. گالاچر، اسکات، **موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات سازمان تجارت جهانی و تجارت بین‌المللی خدمات حقوقی**، ترجمه مسعود کمالی اردکانی، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و پنجم، ۱۳۸۴، شماره ۳۹، ص ۳۰۲.
4. VanGrasstek, C, *The History and Future of the World Trade Organization*, Geneva: WTO Publication, 2013, p 326.
۵. نظام برتون وودز (یا Bretton Woods)، بعد از جنگ جهانی دوم و با هدف کنترل روابط پولی میان کشورها ایجاد شده بود. مطابق این نظام، هر کشور باید نرخ مبادله واحد پولی خود را به دلار امریکا که خود تابعی از طلا بود، گره زده و آن را ثابت نگاه دارد. این نظام در سال ۱۹۷۱ با خروج یک‌جانبهٔ دولت امریکا، دچار فروپاشی شد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مذاکرات «دور دوحه»[۱] از ماه نوامبر سال ۲۰۰۱ آغاز شد و مذاکرات تجاری چندجانبه‌ای جدید و بلندپروازانه‌ای را هدف قرارداد.[۲]

معرفی تجارت خدمات در دستور کار گات ۴۷، موجب پیشرفت‌های قابل‌توجه در مذاکرات دور اروگوئه گردید. به‌سرعت آشکار شد که بخش خدمات مالی حوزه‌ای نسبتاً دشوار برای مذاکرات بود؛ زیرا برداشت‌های متفاوتی از مفهوم آشتی بین تجارت آزاد خدمات مالی و اهداف قانون‌گذاری کشورها وجود داشت. به سبب افزایش تعداد بحران‌های مالی ناشی از فروپاشی نظام نرخ تبدیل ارز ثابت برتون وودز در دهه ۱۹۷۰، قانون‌گذاری در حوزهٔ مالی به مسئله‌ای مهم تبدیل شده بود. در اوایل دههٔ ۱۹۸۰، بحران‌های بانکی بیشتری اتفاق افتاد و بحران بدهی‌های دولتی دامن کشورهای امریکای لاتین را گرفت و همین عوامل، شکننده بودن نظام مالی بین‌المللی را نمایان نمود. فقدان مقررات نظام برتون وودز برای تنظیم ارزش واحدهای پولی و کنترل‌های مربوط به انتقال سرمایه فرامرزی سیستم مالی بین‌المللی را در معرض ریسک سیستماتیکی قرارداد که ثبات مالی را خدشه‌دار می‌نمود.[۳]

رشد فزایندهٔ تعداد بحران‌های ارزی و بانکی در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ زمینه را برای مذاکرات دور اروگوئه فراهم نمود که بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۳ در جریان بود. تا سال ۱۹۹۳، هشتاد و دو کشور در این مذاکرات شرکت کرده بودند و نتایج قابل‌توجهی حاصل‌شده بود و تعهدات متفاوتی را برای آزادسازی تجارت فرامرزی در حوزهٔ خدمات مالی را در چارچوب موافقتنامه گتس پذیرفته بودند.[۴] در جولای سال ۱۹۹۵، تعداد ۹۵ دولت عضو سازمان تجارت جهانی درخصوص موافقت‌نامهٔ موقتی توافق کردند که در یک سپتامبر سال ۱۹۹۶ اجرایی شد. مطابق این موافقت‌نامهٔ موقت، ۹۵ کشور امضاکننده تعهدات مربوط به دسترسی به بازار و رفتار ملی را پذیرفتند تا بازارهای بانکی، بورسی و بیمه‌ای خود را باز کنند و با اعضای متعاهد براساس شرط دول کامله‌الوداد رفتار کنند. این‌طور مقرر شده بود که این موافقت‌نامه به‌صورت موقت اجرایی

۱. مذاکرات دور دوحه (یا The Doha Round)، آخرین دور از مذاکرات اعضای سازمان تجارت جهانی است که درصدد ایجاد تغییرات عمده در نظام تجارت جهانی میان کشورها است. این مذاکرات از سال ۲۰۰۱ در دوحه قطر آغاز شده است و تاکنون ادامه دارد.

2. Raghavan, Chakravarthi, "Financial Services, the WTO and Initiatives for Global Financial Reform", *International Governmental Group of Twenty-Four*, 2011, p 35.

3. Alexander, Op.cit, pp 405-406.

4.Wendy Dobson & Pierre Jacquet, *Financial Services Liberalization in the WTO*, 1998, pp 69-72.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خواهد شد و درصورتی‌که تا تاریخ ۱۲ دسامبر سال ۱۹۹۷، هر یک از ۹۵ دولت امضاکننده، اقدام به پس گرفتن امضای خود نکنند یا به‌صورت ماهوی اقدام به کاهش تعهدات خود نکنند، این موافقت‌نامهٔ موقت به موافقت‌نامهٔ دائمی تبدیل خواهد شد.

مذاکرات در آوریل ۱۹۹۷ دوباره از سر گرفته شد و منجر به تصویب موافقت‌نامه‌ای در ۱۲ دسامبر همان سال شد. این موافقت‌نامهٔ جدید خدمات مالی به‌عنوان پروتکل پنجم موافقت‌نامهٔ گتس شناخته شد که در آن ۷۰ دولت عضو سازمان تجارت جهانی، جدول تعهدات خود را در مورد دسترسی به بازار و رفتار ملی تقویت نمودند، درحالی‌که ۳۲ عضو دیگر بر سر همان تعهداتی باقی ماندند که در مذاکرات دور اروگوئه در قالب موافقت‌نامهٔ موقت در سال ۱۹۹۵ پذیرفته بودند. برای بیشتر کشورها، پروتکل پنجم مزبور جایگزین جدول تعهدات سابق درمورد دسترسی به بازار و رفتار ملی و نیز فهرست معافیت‌های شرط دول کامله‌الوداد شد که تحت موافقت‌نامهٔ موقت ۱۹۹۵ مورد توافق قرارگرفته بود و امتیازات اعطاشده در برخی موارد اصلاح و در برخی موارد تقویت شد. پروتکل پنجم ازنظر حقوقی مهم بود؛ زیرا در قالب الزامات دائمی، تعهدات مربوط به رفتار ملی، دسترسی به بازار و شرط دول کامله‌الوداد را ایجاد نمود.

پروتکل پنجم گتس به‌عنوان موافقت‌نامهٔ خدمات مالی ۱۹۹۷ شناخته می‌شود. این موافقت‌نامه دستاوردی مهم تلقی می‌شد؛ زیرا دامنهٔ شمول وسیعی نسبت به بیشتر بخش‌های خدمات مالی داشت و نیز تعداد زیادی از دولت‌های عضو سازمان تجارت جهانی به این موافقت‌نامه ملحق شدند. پروتکل پنجم گتس و ضمیمهٔ خدمات مالی گتس در یکم مارس سال ۱۹۹۹ اجرایی شد.[1] سومین اجلاس کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در اواخر سال ۱۹۹۹ در سیاتل تشکیل شد، اعضای سازمان تجارت جهانی دست به تلاش‌هایی زدند تا تعهدات خود را در مورد دسترسی به بازار و رفتار ملی، فراتر از تعهداتی که در پروتکل پنجم پذیرفته‌اند، افزایش دهند، اما این تلاش‌ها با بن‌بست مواجه شد. پیرو اجلاس سیاتل، مذاکرات گتس در سال ۲۰۰۰ تحت سرپرستی دستور کار مذاکرات دور دوحه از سر گرفته شد. در همین راستا، «شورای تجارت خدمات»،[2] مأموریتی را به «کمیتهٔ تجارت خدمات مالی»[3] محول نمود تا محدودهٔ وسیعی از

1. Gortsos, Christos, *Fundamentals of Public International Financial Law, International Banking Law within the system of Public International Financial Law*, Nomos, 2012, p 140.
2. Council for Trade in Services
3. Committee on Trade in Financial Services

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مسائلی را بررسی کند که تجارت خدمات مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، با این دید که تعهدات بیشتری، فراتر از تعهداتی در پروتکل پنجم ایجاد شده است، برای آزادسازی تجارت خدمات مالی ایجاد کند. این مذاکرات تحت نظارت دور دوحه ادامه پیدا کرد و برخلاف اختیارات وسیع قانون‌گذاری برای اعمال کنترل‌های احتیاطی، نظر تعداد زیادی از دولت‌های مذاکره‌کننده این بود که به بازارهای دولت متعاهد دیگر از طریق شرط دول کامله‌الوداد و شرط رفتار ملی دسترسی پیدا کنند.

۱.۲. چارچوب کلی تعهدات کشورها برای آزادسازی در سازمان تجارت جهانی

مذاکرات آزادسازی تجارت خدمات مالی در موافقت‌نامهٔ گتس عمدتاً متمرکز بر کاهش یا حذف موانع تبعیض‌آمیز بود. برای نمونه، ممکن است دولت میزبان اجازهٔ تأسیس شعبهٔ بانک را به یک دولت دیگر اعطا نکند. برای رفع موانع تبعیض‌آمیز از اصول رفتار ملی و دسترسی به بازار استفاده می‌شود. اما آزادسازی تجارت خدمات مالی از طریق کاهش یا حذف موانع غیرتبعیض‌آمیز نیز در دستور کار موافقت‌نامهٔ گتس قرار دارد. در این دسته از موانع، مقررات دولت میزبان بین عرضه‌کنندگان خدمات داخلی و خارجی تفاوتی قائل نمی‌شود. برای نمونه، نوع خاصی از فعالیت بانکی به طور کلی ممنوع می‌شود. از کشورها انتظار می‌رود که مقررات داخلی را به صورت منطقی، هدفمند و بی‌طرفانه اعمال نمایند.[1] اگرچه تفکیک تعهدات عمومی و تعهدات ویژهٔ اعضای سازمان تجارت جهانی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در نهایت تعهدات عمومی و تعهدات ویژه در قالب جدول واحدی برای هر کشور منتشر می‌گردد. لکن نظر به این‌که تعهدات عمومی در بخش دوم موافقت‌نامه گتس و تعهدات ویژه در بخش سوم گتس به تفکیک مطرح شده‌اند، در قسمت ذیل ابتدا تعهدات عمومی بانکی و سپس تعهدات ویژه بانکی در سازمان تجارت جهانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱.۳. تعهدات عمومی بانکی در سازمان تجارت جهانی

بخش دوم موافقت‌نامهٔ گتس «اصول و تعهدات عمومی» را مقرر می‌کند که درمورد بیشتر خدمات و نسبت به تمام دولت‌های متعاهد اعمال می‌گردد. دو اصل مهم بخش دوم گتس شرط

1. Key, Sydney, J., *Trade Liberalization and Prudential Regulation: The International Framework for Financia Services*, International Affars 75, 1999, p 67.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دول کامله‌الوداد و شفافیت است.[۱] ماده ۲ موافقت‌نامهٔ گتس در مورد اصل دول کامله‌الوداد بوده و مقرر می‌کند که در موارد مرتبط، «با عنایت به اقدامات تحت شمول این موافقت‌نامه، هر دولت متعاهد باید فوراً و بدون هیچ قیدی با خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات هر دولت متعاهد به‌گونه‌ای رفتار کند که از رفتار اتخاذشده در مقابل خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات دولت متعاهد دیگر نامطلوب‌تر نباشد».[۲] اصل دول کامله‌الوداد به این منظور تعبیه شده است که رفتار تبعیض‌آمیز بین خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات از کشورهای مختلف را حذف کند. به اصل کامله‌الوداد استثناهای مهمی واردشده است که عبارت‌اند از موافقت‌نامه‌های اقتصادی منطقه‌ای[۳] و استثناهای فهرست شده توسط اعضا که اعمال آن‌ها از زمان الحاق دولت‌ها به سازمان تجارت جهانی حداکثر به مدت ده سال مجاز است.[۴]

۱.۳.۱. دول کامله‌الوداد

شرط رفتار دول کامله‌الوداد نقش محوری در موافقت‌نامهٔ گتس دارد؛ همان‌طور که در موافقت‌نامهٔ گات نیز چنین است. در حوزهٔ خدمات بانکی، شرط دول کامله‌الوداد دولت عضو سازمان تجارت جهانی را ملزم می‌کند که با بانک خارجی یک کشور، رفتاری نامطلوب‌تر از رفتاری که با سایر بانک‌های خارجی دارد، نداشته باشد. درصورتی‌که کشورها قصد محدود کردن یا استثنا کردن بانک‌های خارجی را داشته باشند، عموماً این کار را به‌صورت غیرتبعیض‌آمیز انجام می‌دهند. موافقت‌نامه‌های اقتصادی منطقه‌ای، مانند موافقت‌نامهٔ اقتصادی اتحادیه اروپا، به‌عنوان استثنایی بر این تعهد عمومی تلقی می‌شود.[۵]

۱.۳.۲. شفافیت

دومین اصل بنیادین موافقت‌نامهٔ گتس، شفافیت است.[۶] درواقع، مانع اصلی مبادرت به تجارت در یک کشور خارجی معمولاً مربوط به فقدان اطلاعات در خصوص قوانین و مقررات آن کشور

۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ***سازمان جهانی تجارت***، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۹، صص ۴۱۷-۴۱۶.

2. Article II:1.
3. Article V
4. Article II:2
5. Cranston, Ross, *Principles of Banking Law*, Second Edition, Oxford University Press, 2007, p 435.
6. Article III, III*bis*.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

است.[۱] این مشکل در حوزهٔ تجارت خدمات دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا بسیاری از محدودیت‌های تجارت خارجی مرتبط، در قالب مقررات داخلی‌اند. اطلاعات کافی دربارهٔ قوانین و مقررات مرتبط برای انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری ضروری است. در همین راستا، موافقت‌نامهٔ گتس در مقدمهٔ خود و در مواد ۳ و ۶، اقدام به تأسیس اصل شفافیت نموده است. ماده ۳ اعضا را مکلف می‌کند تمام اقدامات مربوط به اعمال موافقت‌نامه گتس یا تمام اقدامات مؤثر بر آن فوراً منتشر شود.[۲]

قوانین یک دولت باید شفاف باشند و استانداردهای واضحی را مقرر نمایند تا تجار خارجی به‌طور دقیق متوجه شوند که چه شرایطی برای فعالیت تجاری در حوزهٔ کشور میزبان باید تأمین گردد.[۳] به‌منظور افزایش پایبندی به تعهد شفافیت، ماده ۳ دولت‌های عضو را ملزم می‌کند مراجع استعلامی را تأسیس کنند تا در صورت تقاضای سایر اعضای سازمان تجارت جهانی، نسبت به انتشار آن اقدام نمایند. کشورها باید این مراجع استعلام را به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤالات مرتبط با تجارت عرضه‌کنندگان خدمات در سایر کشور تأسیس نمایند.[۴] تعدادی از کشورها پیشنهاد نموده‌اند که نقش این مراکز استعلام را افزایش دهند؛ به این طریق که برای مثال، مقامات ملی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی باید به سؤالات تمام «اشخاص ذی‌نفع»[۵] که به مراکز استعلام واصل می‌شود، پاسخ دهند. به‌طورکلی، مطابق مقررات ماده ۳ موافقت‌نامهٔ گتس، هیچ استثنا یا معافیتی برای اعضای سازمان تجارت جهانی در اعمال تعهد شفافیت وجود ندارد.

۱.۴. تعهدات ویژهٔ بانکی در سازمان تجارت جهانی

بخش سوم موافقت‌نامهٔ گتس و به‌طور دقیق‌تر مواد ۱۶ و ۱۷، حاوی قواعد و مقرراتی درمورد رفتار ملی و دسترسی به بازار است. برخلاف تعهدات کلی دول کامله‌الوداد و شفافیت، اصول رفتار ملی و دسترسی به بازار تعهدات ویژه محسوب می‌شوند که باید بین دولت‌ها مورد مذاکره قرار

۱. رضایی، محمدتقی، ***نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت***، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰.

2. Article III (1) GATS.

3. Article III:1.

۴. صادقی، محسن، **اصول خدمات بیمه در سازمان تجارت جهانی و آثار الحاق ایران به آن**، ۱۳۸۴، شماره ۸، ص ۲۴۸.

5. Interested persons

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بگیرند.[۱] تعهد رفتار ملی یا دسترسی به بازار در خصوص یک کشور اعمال نمی‌شود، مگر این‌که آن کشور درخصوص بخش یا زیربخشی از صنعت خدمات مالی خود به‌طور صریح به چنین تعهدی رضایت داده باشد.[۲] این روش با عنوان «روش فهرست مثبت»[۳] شناخته می‌شود و به این مفهوم است که تعهدات دسترسی به بازار و رفتار ملی در صورتی نسبت به یک کشور اعمال می‌شود که آن کشور صراحتاً برای بخش یا زیربخش مشخصی و نیز روش عرضه خدمات معینی، تعهد ویژه‌ای را بر عهده بگیرد و تا حدی اعمال می‌گردد که آن کشور محدودیتی نسبت به آن وارد ننموده باشد. در مقابل، «روش فهرست منفی»[۴] هر نوع تجارتی آزاد است، مگر مواردی که در جدول مربوطه استثنا شده باشد. این روش به کشور اجازه می‌دهد که برای خودش جدول محدودیت‌های اعمال اصول دسترسی به بازار و رفتار ملی را تهیه کند؛ به این شرط که آن کشور در جدول تعهدات ویژهٔ خود آن محدودیت‌ها را درج نموده باشد.[۵] موافقت‌نامهٔ گتس از روش فهرست مثبت استفاده کرده و شرایط انعطاف‌پذیرتر و با اختیار بیشتری را برای کشورها فراهم نموده است. این روش، منفعت خاصی را برای کشورهای درحال‌توسعه به همراه دارد؛ زیرا این کشورها تخصص لازم را ندارند تا تشخیص دهند کدام محدودیت‌ها را باید در فهرست موجود در روش فهرست منفی درج کنند.[۶]

۱.۴.۱. رفتار ملی

مادهٔ ۱۷ موافقت‌نامهٔ گتس درمورد اصل رفتار ملی است و دولت عضو را ملزم می‌کند که «با خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات یک دولت دیگر، رفتاری نامطلوب‌تر ازآنچه با خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات مشابه خود می‌نماید، نداشته باشد».[۷] در حوزهٔ خدمات بانکی، اصل رفتار ملی دولت‌های عضو سازمان تجارت جهانی را ملزم می‌کند با بانک‌های خارجی همان‌گونه رفتار

۱. قلی‌زاده منقوطای، احد و دینا توسلی‌نیا، **تعهدات خاص اعضای سازمان تجارت تحت موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و تعارضات آن با قوانین ایران**، دوره اول، ۱۳۹۹، شماره ۴، ص ۵۲.

2. Herdegen, M, *Principles of International Economic Law*, Oxford: Oxford University Press, 2016, p 266.

3. Positive-list approach

4. Negative-list approach

۵. برای مثال، موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) از روش فهرست منفی استفاده نموده است.

6. VanGrasstek, C, *The History and Future of the World Trade Organization*, Geneva: WTO Publication, 2013, p 326.

7. Art. XVII:1.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کنند که با بانک‌های داخلی رفتار می‌کنند.[۱] این تعهد، یک نوع تعهد مذاکره شده است که فقط درخصوص آن‌دسته از بخش‌ها و روش‌های عرضهٔ خدمات اعمال می‌گردد که آن تعهد مذاکره‌شده به‌طور صریح برعهده‌گرفته شده و تا حدی جریان پیدا می‌کند که آن دولت محدودیتی را جدول خود وضع ننموده باشد. موافقت‌نامهٔ گتس مقرر می‌کند که «رفتار نامطلوب‌تر»،[۲] هم‌معنای «دوژوره»[۳] و هم‌معنای «دوفاکتو»[۴] یک رفتار را در برمی‌گیرد.[۵] برای مثال، علی‌رغم این‌که یک دولت عضو ممکن است با خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات خارجی رفتاری برابر دوژوه داشته باشد، یعنی آن رفتار به‌طور رسمی یکسان باشد، اما درصورتی‌که این رفتار یکسان منجر به تغییر شرایط رقابتی به نفع عرضه‌کنندهٔ خدمت داخلی گردد، آن رفتار اصل رفتار ملی را نقض نموده است.[۶]

اصل رفتار ملی درصدد تضمین این است که خارجی‌ها از فرصت برابر برای رقابت بهره‌مندند، درحالی‌که اعضا تعهدی مبنی بر تضمین موفقیت در بازار ندارند.[۷] علاوه بر این، رفتار رسماً متفاوت با عرضه‌کنندگان خدمات خارجی، گاهی می‌تواند مطابق اصل رفتار ملی باشد و این درجایی است که قانون‌گذار کشور میزبان نگرانی مهمی درمورد توانایی شرکت‌های خارجی برای تأمین رضایت اهداف قانون‌گذار کشور میزبان داشته باشد. بنابراین، اقدامات قانون‌گذاری اضافی نسبت به خارجی‌ها ممکن است به این دلیل ضرورت داشته باشد که تضمین کند اهداف قانون‌گذاری تأمین‌شده است. در بخش بانکداری، قانون‌گذار کشور میزبان ممکن است درصدد این باشد که الزامات سرمایه‌گذاری سخت‌گیرانه‌تری را در مقایسه با بانک‌های کشور میزبان مقرر کند، بانک‌های خارجی را ملزم کند که نسبت به تأسیس شعبه اقدام نمایند، حضور فیزیکی در قلمرو کشور میزبان را به‌عنوان یکی از شرایط دسترسی به سیستم پرداخت کشور میزبان تلقی کند یا آن‌ها را ملزم کند که خدمات مالی به مصرف‌کنندگان کشور میزبان بفروشند.

1. Cranston, op. cit., p 436.
2. treatment no less favourable
3. de jure
4. de facto
5. Chaisse J. et al., *Handbook of International Investment law and Policy*, Singapore, Springer, 2021, p 256.
6. Marchetti, Juan, "What Should Financial Regulators Know About the GATS?", *unpublished paper for the World Trade Organization*, 2003.
7. Arup, Christopher, *The World Trade Organization Agreements* (Cambridge: Cambridge University Press), 1999.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قواعد و مقرراتی که نسبت به اصول رفتار ملی و دسترسی به بازار اعمال می‌گردد، با اختلاف مهم‌ترین قواعدی هستند که نوع خاصی از آزادسازی را مورد تعهداتی که هر کشور بر عهده می‌گیرد، تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مقررات مفاهیمی را در مورد قانون‌گذاری درخصوص انتقال سرمایه به خارج از مرزها برای هر عضو وضع می‌کنند و ممکن است تعهدات دولت‌های عضو صندوق بین‌المللی پول را تحت تأثیر قرار دهد. اگرچه روش فهرست مثبت به کشورها اجازه می‌دهد که در آزادسازی تعهدات براساس صلاحدید خود اقدام نمایند، به سبب این‌که تمام بخش‌های خدماتی را تا زمانی که یک کشور به‌طور مشخص بخش خاصی را برای رفتار ملی یا دسترسی بازار اعلام کند از دستور کار آزادسازی خارج می‌کند، موردانتقاد قرارگرفته است.[1] این دیدگاه برای تقویت استدلال خود معتقد است که دولت‌ها تحت‌فشارهای حمایت‌گرایی‌اند و تمایلی نخواهند داشت که بدون تعهد قانونی و سازمانی بخش‌های خدماتی خاصی را برای آزادسازی مشخص کنند. اکثر آن‌هایی که دیدگاه فوق را اتخاذ نموده‌اند، روش فهرست منفی را ترجیح می‌دهند که مطابق آن، فرض بر این است که اعضای سازمان تجارت جهانی رفتار ملی و دسترسی به بازار را به‌صورت کامل نسبت به تمام بخش‌های خدماتی اعمال خواهند کرد، به‌جز در مواردی که به‌طور صریح محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌هایی را در جدول تعهدات خود فهرست نموده باشند. این روش موجب سرعت گرفتن دستور کار موافقت‌نامهٔ گتس می‌شود و به‌طور بالقوه توانایی قانون‌گذار داخلی را برای مدیریت بازارهای مالی داخلی کاهش می‌دهد. از طرف دیگر، روش فهرست منفی ممکن است منجر به عمیق‌تر شدن بازارهای سرمایه گردد، به این طریق که اجازه می‌دهد عرضه‌کنندگان خدمات مالی و وام‌دهندگان خارجی بیشتری به بازارهای داخلی وارد شوند. این امر می‌تواند منجر به انتقال فناوری و مهارت به اقتصادهای توسعه‌نیافته و تزریق سرمایه گردد که موجب افزایش نقدینگی شده و احتمالاً ثبات مالی را گسترش می‌دهد. قانون‌گذاران داخلی، در صورت بحران مالی یا سایر بحران‌ها همچنان اختیار اعمال محدودیت نسبت به انتقال برون‌مرزی سرمایه را دارند. علاوه بر این، دولت‌هایی که به‌صورت مستقل و خارج از چارچوب مذاکرات موافقت‌نامهٔ گتس به بازنمودن بازارهای خود اقدام می‌نمایند، باید به سبب این تلاش‌های مستقل از اعتبار ویژه‌ای در موافقت‌نامه گتس برخوردار شوند.

1. Dobson, op. cit.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱.۴.۲. دسترسی به بازار

اصل دسترسی به بازار که در مادهٔ ۱۶ موافقت‌نامهٔ گتس مقررشده، به ماهیت الزام‌آور بودن تعهدات ویژهٔ دسترسی به بازار در جدول اعضا تأکید مجدد می‌کند و این موضوع را روشن می‌سازد که تعهدات ویژهٔ اعضا معیار رفتاری حداقلی‌اند و باید نسبت به خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات تمام اعضای سازمان تجارت جهانی اعمال شوند.[۱] بند یک ماده ۱۶ اعضا را ملزم می‌کند با خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات اعضای دیگر «رفتاری نامطلوب‌تر از آنچه براساس عبارات، محدودیت‌ها و شرایط توافق‌شده و مشخص‌شده در جدول تعهدات خود نداشته باشد».[۲] در همین زمینه، پی‌نوشت شماره ۸ مادهٔ ۱۶ گتس این موضوع را روشن می‌کند که اختیار مقامات یک دولت عضو برای محدود کردن انتقال سرمایه به خارج از کشور، تا حدی می‌تواند محدود گردد که آن دولت عضو تعهدی را برای عرضهٔ خدمات برون‌مرزی (شیوه اول) برعهده گرفته است یا تا حدی که یک دولت عضو تعهد به صدور مجوز عرضه خدمات از طریق حضور تجاری فرامرزی (شیوه سوم) را برعهده‌گرفته باشد. قاعدهٔ مقررشده برای شیوهٔ اول بیان می‌کند که یک دولت عضو نمی‌تواند کنترل‌هایی را نسبت به انتقال سرمایه به داخل یا خارج از مرزهای خود اعمال کند، در وضعیتی که این انتقال سرمایه جزء اساسی عرضه خدمات باشد.[۳] در مقابل، در مورد شیوهٔ حضور تجاری (شیوه سوم)، یک دولت عضو متعهد است که مجوز انتقال سرمایه به قلمرو خود را صادر کند، درصورتی‌که آن سرمایه مربوط به تأسیس حضور تجاری در قلمرو کشور میزبان باشد، اما صرفاً تا حدی که آن کشور در جدول تعهدات خود حضور تجاری را برعهده‌گرفته است. از نوع بیان این قاعده می‌توان استنباط کرد که تعهد به محدود نکردن انتقال سرمایه، صرفاً در مورد ورود سرمایه برای تأسیس حضور تجاری است. الزام مقررشده در شیوهٔ اول مبنی بر این‌که سرمایه «بخش اساسی خدمت»[۴] باشد، یک نوع معیار ضروری ارائه می‌کند، برای تشخیص این‌که سرمایه واقعاً بخش اساسی عرضهٔ خدمت بوده است. در مقابل، الزام مقررشده در شیوهٔ سوم تعهدی سنگین‌تر را برای کشور میزبان ایجاد می‌کند، مبنی بر این‌که «انتقال سرمایه

1. Zleptnig, Stefan, *The GATS and internet-based services: between market access and domestic regulation*, Cambridge Review of International Affairs, 2007, p 143.
2. Article XVI:1.
3. Article XVI:1 note 8.
4. an essential part of the service

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مربوط»[1] به عرضهٔ خدمت برای تأسیس حضور تجاری را محدود نکند. برای مثال دولت متعاهد نباید ورود سرمایه‌ای را که مربوط به تأسیس شعبهٔ بانک است، محدود کند.

بند دوم ماده ۱۶، شش اقدام را مشخص نموده است که دسترسی به بازار را محدود می‌کند و هیچ دولت متعاهدی نمی‌تواند این محدودیت‌ها را نسبت به بخشی اعمال کند که مشمول تعهدات ویژه می‌گردد، مگر این‌که آن اقدام محدودکننده به نوع دیگری در جدول تعهدات مشخص‌شده باشد.[2] چهار اقدام اول، محدودیت‌های مقداری نسبت به دسترسی به بازار را شامل می‌شوند؛ برای مثال تعداد عرضه‌کنندگان خدمات در یک بخش خاص محدود می‌گردد، یا تعداد اشخاصی که در یک بخش خاص امکان استخدام دارند، محدود شود. محدودیت پنجم کنترل‌هایی را شامل می‌شود که تأسیس سرمایه‌گذاری مشترک یا نوع خاصی از نهاد قانونی محدود یا الزام می‌کند که عرضه‌کنندهٔ خدمات از طریق آن می‌تواند نسبت به عرضهٔ خدمات اقدام نماید، درحالی‌که اقدام ششم محدودیت‌هایی را منع می‌کنند که درمورد مشارکت سرمایهٔ خارجی است. بنابراین محدودیت‌هایی از قبیل تعداد بانک‌ها، میزان سرمایه و نوع شخصیت حقوقی بانک می‌توانند مشمول مقررهٔ فوق شوند.[3]

۲. تنظیم مقررات احتیاطی کلان در سازمان تجارت جهانی

همان‌طور که بحث شد، کشورها با هدف رسیدن به رشد اقتصادی بیشتر دست به آزادسازی‌های تجاری زدند. تجارت خدمات بانکی به سبب حساسیت بیشتری که برای کشورها داشت با اختلاف بیشتری وارد حوزهٔ آزادسازی‌های تجاری سازمان تجارت جهانی شد. آزادسازی تجاری در حوزهٔ خدمات بانکی مستلزم حذف موانع تجاری است و برای این کار باید بسیاری از مقررات محدودکنندهٔ تجارت خدمات بانکی حذف شوند. اما تجربه نشان داد که از دههٔ ۱۹۷۰ میلادی بحران‌های مالی دامن‌گیر کشورها شد. تدوین‌کنندگان موافقت‌نامهٔ گتس که آگاه بودند سنگین شدن کفهٔ آزادسازی تجاری به قیمت تهدید ثبات مالی کشورها و کاهش امنیت بانک‌ها و مشتریان تمام خواهد شد، سعی کردند با اعطای اختیار به کشورها برای تنظیم مقررات

1. Related transfers of capital

۲. صادقی نشاط، امیر و مرتضی پورمیرغفاری، **بانکداری بدون ربا و آزادسازی خدمات بانکی در سازمان تجارت جهانی**، فصلنامه مطالعات خصوصی، دوره ۴۷، ۱۳۹۶، شماره ۴، ص ۶۷۲.

3. Cranston, op. cit., p 435.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

احتیاطی، تعادل لازم را بین رشد اقتصادی و ثبات مالی ایجاد کنند. در قسمت ذیل، ابتدا درمورد مفهوم مقررات احتیاطی در سازمان تجارت جهانی بحث می‌شود و سپس درمورد راهکار ایجاد تعادل بین آزادسازی و تنظیم مقررات احتیاطی در سازمان تجارت جهانی مطالعه می‌گردد.

۲.۱. مفهوم مقررات احتیاطی در سازمان تجارت جهانی

آزادسازی خدمات مالی و ورود بانک‌های کشورهای دیگر، پیامدهای بسیاری بر کشور میزبان دارد و به‌راحتی می‌تواند ثبات مالی را با بحران مواجه کند. برای رفع این نگرانی، در بند ۲ (الف) ضمیمه خدمات مالی گتس، استثنای مهمی ایجادشده است. مطابق این مقرره، کشورهای عضو می‌توانند به‌منظور اقدامات احتیاطی از اجرای تعهداتی که برعهده‌گرفته‌اند، معاف شوند.[۱] هدف کلی از تنظیم مقررات احتیاطی این است که امنیت و عملکرد مطلوب نظام مالی حفظ شود.[۲] تنظیم مقررات احتیاطی با دو رویکرد خُرد و کلان انجام می‌شود؛ در تنظیم مقررات بانکی بر اساس سیاست احتیاطی خُرد، هدف حفظ امنیت هر بانک است، درحالی‌که در تنظیم مقررات بانکی بر اساس سیاست احتیاطی کلان، هدف حفظ ثبات کل نظام مالی است.[۳] تنظیم مقررات احتیاطی نه تنها سبب می‌شود که درک صحیحی از میزان ریسکی که بانک‌ها برعهده گرفته‌اند و نیز ریسکی که در کل نظام مالی انباشته شده است، مشخص باشد؛ بلکه مقررات احتیاطی سبب می‌شود دولت‌ها به شکل بهتری از مزایایی آزادسازی تجارت خدمات بانکی بهره‌مند شوند. زیرا بازارهای رقابتی اصولاً در یک بستر باثبات محقق می‌شوند و در فقدان ثبات مالی، رسیدن به آزادسازی تجاری امکان‌پذیر نخواهد شد.

اگرچه اعضای سازمان تجارت جهانی در مذاکرات دور اروگوئه بر اهمیت تنظیم مقررات احتیاطی واقف بودند، درمورد اینکه مفهوم مقررات احتیاطی چیست میان کشورها اختلاف‌نظر فراوانی وجود داشت.[۴] کشورهای توسعه‌یافته بر این باور بودند که باید تعریف دقیقی از مفهوم

1. GATS Annex on Financial Services, para. 2 (a).
2. Eatwell, J. & Taylor, L., Global Finance at Risk: The Case for International Regulation, 2000.
3. Dill, Alexander, *Bank Regulation, Risk Management, and Compliance: Theory, Practice, and Key Problem Areas*, Informa Law from Routledge, New York, 2020.
۴. برای نمونه نظر نمایندهٔ کشور کلمبیا این بود که منظور از تنظیم مقررات احتیاطی تنظیم مقرراتی است که ثبات و یکپارچگی نظام مالی را تضمین کند. در نقطهٔ مقابل، مالزی معتقد بود که باید تفسیر مضیقی از مقررات احتیاطی انجام شود و صرفاً اختیارات دولت‌ها در تنظیم مقررات احتیاطی تا جای ممکن محدود شود. کشورهای امریکا و ژاپن نیز معتقد بودند که تبیین مفهوم مقررات احتیاطی به صلاحدید دولت‌ها واگذار شده است. کشورهای عضو←

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقررات احتیاطی در موافقت‌نامهٔ گتس درج شود؛ زیرا این اقدام سبب افزایش شفافیت در میان عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان خدمات بانکی می‌شود. به این ترتیب، این کشورها معتقد به ارائهٔ تعریف مضیقی از مفهوم مقررات احتیاطی هستند. در نقطهٔ مقابل، کشورهای درحال‌توسعه معتقدند که باید تفسیر موسعی از مفهوم مقررات احتیاطی کلان به عمل آید و دست دولت‌ها در تنظیم این مقررات باز گذاشته شود.[۱] استدلال این گروه این است که خدمات مالی و بانکی وضعیتی متفاوت و متمایز دارد و انباشت ریسک‌های بانکی می‌تواند ثبات مالی کشورها را به مخاطره اندازد.[۲] درنهایت نیز استدلال گروه اخیر پذیرفته شده است که مطابق این تفسیر، دولت‌ها مجازند به بهانهٔ تنظیم مقررات احتیاطی از تعهدات مذاکره شدهٔ خود تحت موافقت‌نامهٔ عمومی تجارت خدمات عدول نمایند. بند ۲ (الف) ضمیمهٔ خدمات مالی گتس مقرر می دارد که: «دولت‌ها را نمی‌توان از اتخاذ آن دسته از تدابیر احتیاطی که درصدد حمایت از سرمایه‌گذاران، ذی‌نفعان یا سایر اشخاصی که بانک متعهد به ارائهٔ خدمات مالی به آن‌ها است یا اینکه به دنبال تضمین یکپارچگی و ثبات مالی است، منع نمود. در شرایطی که این اقدامات با اصول موافقت‌نامهٔ عمومی تجارت خدمات مطابقت نداشته باشد، اتخاذ این تدابیر احتیاطی نباید به ابزاری برای بی‌اثر کردن تعهدات دولت‌ها تحت این موافقت‌نامه باشد».[۳]

مطابق مقررهٔ فوق، تدابیر احتیاطی آن‌دسته از اقداماتی است که به‌منظور حمایت از سرمایه‌گذاران، ذی‌نفعان یا سایر اشخاصی است که بانک متعهد به ارائهٔ خدمات مالی به آن‌ها، یا درصدد تضمین یکپارچگی و ثبات مالی است. هیچ راهنمایی دیگری درخصوص نوع این الزاماتی که برای حمایت از سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان وجود ندارد. همچنین مشخص نشده است برای حفظ ثبات مالی چه اقداماتی باید انجام شود. تنها محدودیت ایجادشده این است که تنظیم مقررات احتیاطی نباید به قصد بی‌اثر کردن تعهدات عمومی و ویژهٔ پذیرفته‌شده دولت‌ها تحت موافقت‌نامهٔ عمومی تجارت خدمات باشد. البته درعمل، جواز تنظیم مقررات بانکی به دستاویزی برای گریز از آزادسازی تجاری بدل شده است. برای نمونه، کشور چین با این بهانه که اقدام به

←اتحادیهٔ اروپا نیز بر این باور بودند که مقررات احتیاطی باید تا جایی اعمال شود که موجب تقض تعهداتی نشود که هر کشور در مقابل سایر کشورها بر عهده گرفته است.

1. Kireyev, Alexei, Liberalization of Trade in Financial Services and Financial Sector Stability, *IMF Working Paper*, WP/02/138, 2002, pp 15-16.
2. Dobson, op. cit.
3. GATS Annex on Financial Services, para. 2 (a).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تنظیم مقررات احتیاطی می‌نماید، اقدام به نقض تعهدات خود در زمینهٔ دسترسی به بازار یا رفتار ملی نموده است.[۱] درنهایت، اختلاف‌نظر بر سر این‌که اقدام یک دولت مشمول استثنای احتیاطی است یا مانع تجارت محسوب می‌گردد، توسط مرجع حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی تعیین خواهد شد.[۲] البته این‌که انتظار داشته باشیم نظام حل‌وفصل اختلافات مشکل ابهام مفهوم تنظیم مقررات احتیاطی را حل کند، انتظار نابجایی است؛ زیرا در زمان تدوین ضمیمهٔ پنجم اختلاف‌نظرها مطرح شده و نتیجه‌ای به همراه نداشته است.[۳]

۲.۲. راهکار ایجاد تعادل بین آزادسازی و تنظیم مقررات احتیاطی در سازمان تجارت جهانی

تدوین‌کنندگان گتس تلاش کرده‌اند درعین‌حال که اقدام به آزادسازی خدمات مالی در حیطهٔ سازمان تجارت جهانی می‌نمایند، از این طریق استثنای فوق، دست قانون‌گذار دولت میزبان را برای تنظیم مقررات احتیاطی به‌منظور حفظ ثبات مالی باز بگذارند. به‌این‌ترتیب، دولت‌ها درصورتی‌که تشخیص دهند انجام اقدامات احتیاطی لازم است، می‌توانند تعهدات خود را اجرا نکنند، حتی اگر مخالف تعهدات خاص آن‌ها باشد. البته این موضوع نباید به وسیله‌ای برای فرار از تعهدات و الزامات موافقت‌نامه تبدیل شود.[۴] استثنای مندرج در صدر بند ۲ (الف) ضمیمهٔ خدمات مالی گتس به دولت‌ها اختیار تنظیم مقررات احتیاطی می‌دهد و سبب دشوار شدن تجارت خدمات مالی است. پرواضح است که تنظیم مقررات احتیاطی از این قابلیت برخوردار است که در صورت استفادهٔ نامناسب به عامل مختل‌کنندهٔ آزادسازی تجارت خدمات بانکی بدل شود.[۵] به منظور محدود کردن اختیارات دولت‌ها در تنظیم مقررات احتیاطی، مقررهٔ فوق در ادامه شرطی را اضافه می‌کند که مطابق آن تنظیم مقررات احتیاطی نباید به ابزاری برای بی‌اثر کردن تعهدات پذیرفته‌شده تبدیل شود. وجود این شرط نه‌تنها ابهام چارچوب تعریف‌شده را کم نمی‌کند، بلکه بر ابهام آن نیز می‌افزاید.[۶]

---

1. US-China Trade Relations Growing Steadily, Some Stumbling Blocks Remain', Issue 12, 28 June 2002.
2. Sydney, J., Op. Cit, p 68.
3. M Yokoi-Arai, *GATS Prudential Carve Out in Financial Services and its Relation with Prudential Regulation*, 57 International & Comparative Law Quarterly 623, 2008, p 640.
۴. زارع، محمدحسین، میرهادی سیدی، مسعود کمالی‌اردکانی، فرزاد مرادپور و میترا نصیری، ***دسترسی به بازار جهانی وظیفه‌ای ناتمام***، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶.
5. Kireyev, Alexei, Liberalization of Trade in Financial Services and Financial Sector Stability, *IMF Working Paper*, WP/02/138, 2002, p 15.
6. Kalypso Nicolaidis and Joel Trachtman,"Policed Regulation to Managed Recognition" in *P. Sauve & R.M. Stern, eds., GATS 2000*, Washington DC: Brookings Institute, 2000. P 255.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مرز بین آزادسازی تجارت خدمات بانکی و اختیار دولت‌ها برای تنظیم مقررات بانکی نسبتاً مبهم است. معیاری وجود ندارد که بر اساس آن بتوان تشخیص داد مقرراتی که توسط یک کشور تنظیم شده است، در راستای حمایت از امنیت مشتریان بانک و حفظ ثبات مالی است. برخی کشورها معتقدند باید الزامات بانکی منتشرشده توسط «نهادهای بین‌المللی تدوین‌کننده استاندارد»[۱] را معیار تشخیص قرار داد.[۲] پس از بحران‌های مالی و رویدادهای مهم در جهان، نهادهای بین‌المللی متعددی در سطح جهان تأسیس شده‌اند که تنظیم مقررات احتیاطی را هدف خود می‌دانند. به ترتیب تاریخ تأسیس، مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از «کمیته نظارت بر بانکداری بازل»،[۳] «سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار»،[۴] «انجمن بین‌المللی ناظران بیمه»،[۵] «کمیته پرداخت‌ها و زیرساخت‌های بازار»،[۶] «انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده»،[۷] «صندوق بین‌المللی پول»[۸] و «بانک جهانی».[۹] در نهایت و پس از وقوع بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ نیز، «هیئت ثبات مالی»[۱۰] اساساً با هدف تغییر رویکرد تدوین مقررات بانکی به رویکرد احتیاطی کلان تأسیس شد. به این ترتیب، برای تشخیص این‌که مقرراتی که یک کشور تنظیم نموده است، تدابیر احتیاطی محسوب می‌شود یا مانع تجارت، باید این مقررات را با الزامات تدوین‌شده توسط نهادهای بین‌المللی تدوین‌کنندهٔ استانداردهای بانکداری مقایسه نمود. همین امر سبب شده است که کشورها در تنظیم مقررات احتیاطی با آسودگی‌خاطر عمل کنند و نگران این نباشند که متهم به ایجاد مانع تجارت شوند؛ زیرا به سادگی می‌توانند توجیه کنند که اقدام آن‌ها در راستای تبعیت از الزامات بین‌المللی و به قصد حفظ امنیت و ثبات مالی بوده است.[۱۱]

1. International Standard-setting Bodies
2 . World Trade Organization, WTO Doc.S/CSS/W/71, available at: https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=Q:/S/CSS/W71.pdf&Open=True, Last Visit: 12/10/2022; World Trade Organization, WTO Doc.S/CSS/W/27, available at: https://docs.wto.org/gtd/Default.aspx?pagename=Services_4&langue=e, Last Visit: 12/10/2022.
3. Basel Committee on Banking Supervision (BSBS).
4. International Organization of Securities Commissions (IOSCO).
5. International Association of Insurance Supervisors (IAIS).
6. Committee on Payments and Market Infrastructures.
7. International Association of Deposit Insurers.
8. International Monetary Fund (IMF).
9. World Bank (WB).
10. Financial Stability Board (FSB)
11. Key, Op. Cit, pp 68-70.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در بند سوم ضمیمهٔ خدمات مالی گتس سازوکاری برای ایجاد تعادل بین آزادسازی تجارت خدمات بانکی و تنظیم مقررات احتیاطی پیش‌بینی شده است. مطابق این مقرره، اعضای سازمان تجارت جهانی تشویق شده‌اند که در زمان تنظیم مقررات احتیاطی که به منظور حمایت از امنیت مشتریان و حفظ ثبات مالی انجام شده است، با سایر اعضا مذاکره، و نسبت به «شناسایی»[1] متقابل استانداردهای تدوین‌شده اقدام نمایند. هدف از طراحی سازوکار شناسایی، این است که اعضا به‌راحتی نتوانند از تعهدات عمومی و تعهدات ویژه که در مقابل سایر اعضا پذیرفته‌اند، عدول نمایند. بر اساس بند ۳ (الف) ضمیمه خدمات مالی، هر کشور نحوهٔ اعمال مقررات احتیاطی تدوین‌شدهٔ کشور دیگر را مورد شناسایی قرار می‌دهد. این اقدام از طریق مذاکره یا توافق با کشورهای مرتبط انجام می‌شود و نیز ممکن است به صورت خودمختار توسط دولت عضو انجام شود.[2] در ادامه و در بند ۳ (ب) تأکید شده است که باید سایر کشورها نیز امکان مذاکره و الحاق به توافق‌نامهٔ فوق را داشته باشند و نظارت کافی را بر مقررات احتیاطی اعمال نمایند.[3]

1. Recognition
2. GATS Annex on Financial Services, para. 3 (a).
3. GATS Annex on Financial Services, para. 3 (b).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه‌گیری

از اواسط دهۀ ۱۹۴۰ میلادی، کشورها تصمیم به ترسیم ساختار اقتصادی بین‌المللی گرفتند. سازمان تجارت بین‌المللی هرگز خلق نشد، اما موافقت‌نامۀ گات ۱۹۴۷، فرایند آزادسازی تجارت کالا را شروع نمود و در سال ۱۹۹۵ میلادی سازمان تجارت جهانی تأسیس شد. این‌که آزادسازی‌های تجاری شامل تجارت خدمات نیز بشود یا خیر، از همان ابتدا با تردیدهای مهمی همراه بود؛ زیرا کشورها حساسیت بیشتری روی آن داشتند. در تجارت خدمات، حوزۀ بانکی از اهمیت بیشتری برخوردار بود و ورود بانک‌های خارجی به کشور میزبان به‌راحتی می‌توانست نظام مالی کشور میزبان را با مشکل مواجه کند.

چالش کشورها بر سر این موضوع بود که در یک کفۀ ترازو برای ایجاد رشد اقتصادی، آزادسازی خدمات بانکی لازم است و برای این کار باید مقررات متعددی در حوزۀ بانکی حذف شوند. در کفۀ دیگر ترازو برای ایجاد ثبات مالی، کشورها نیاز به تنظیم مقررات احتیاطی دارند. تدوین‌کنندگان مقررات سازمان تجارت جهانی به‌خوبی بر این موضوع آگاه بودند که خدمات بانکی قابل‌مقایسه با تجارت کالا یا تجارت سایر خدمات نیست. به همین سبب، بعد از سال‌ها مناقشه بر سر این موضوع، درنهایت ترجیح دادند مصالحه‌ای بین اهداف رشد اقتصادی و ثبات مالی انجام دهند. درنهایت مطابق بند ۲ (الف) ضمیمۀ خدمات مالی گتس، درعین‌حال که آزادسازی تجارت خدمات بانکی را به‌عنوان یک اصل در نظر می‌گیرند، خروج از این اصل را با استثنای تنظیم مقررات احتیاطی مجاز می‌دانند. به‌این‌ترتیب، کشورها به‌محض عضویت در سازمان تجارت جهانی، باید تعهدات عمومی، شامل اصل دول کامله‌الوداد و اصل شفافیت را رعایت نمایند و امکان مذاکره یا ایجاد استثنا در آن‌ها را ندارند. در خصوص تعهدات خاص، شامل اصل رفتار ملی و اصل دسترسی به بازار، اعضا بعد از مذاکره، این تعهدات را بر عهده می‌گیرند؛ اما با تنظیم مقررات احتیاطی مذکور در بند ۲ (الف) ضمیمه خدمات مالی گتس می‌توانند از اجرای این تعهدات خود را در برابر کشور دیگر معاف کنند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، موافقت‌نامۀ تجارت خدمات (گتس)، چارچوب منعطفی را برای مذاکرات اعضا درمورد آزادسازی تجارت خدمات ارائه نموده است؛ درعین‌حال، حق قانون‌گذاری کشورها را نیز به رسمیت شناخته است تا اعضا بتوانند اقدام به تنظیم مقررات احتیاطی برای محدود نمودن تجارت خدمات فرامرزی نمایند. به‌این‌ترتیب، می‌توان به این نتیجه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

رسید که کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، مکلف به آزادسازی تجارت خدمات بانکی بر اساس تعهدات عمومی و تعهدات ویژه هستند؛ اما به منظور حمایت از امنیت مشتریان و نیز حفظ ثبات مالی می‌توانند اقدام به تنظیم مقررات احتیاطی نمایند. برای تشخیص این‌که چه اقدامی، مشمول استثنای احتیاطی است، می‌توان الزامات مقررشده توسط نهادهای بین‌المللی تدوین‌کنندهٔ استانداردهای بانکی را ملاک قرار داد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱.رضایی، محمدتقی، ***نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت***، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴.

۲.زارع، محمدحسین، میرهادی سیدی، مسعود کمالی‌اردکانی، فرزاد مرادپور و میترا نصیری، ***دسترسی به بازار جهانی وظیفه‌ای ناتمام***، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۸.

۳.لونفلد اِف.، آندریاس، ***حقوق بین‌الملل اقتصادی***، ترجمه محمد حبیبی مجنده، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.

۴.مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ***سازمان جهانی تجارت***، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۹.

مقاله

۵.باقری، محمود، علیرضا حجت‌زاده، و محمدتقی رضایی، **اجرای اصل آزادسازی تجاری در سازمان جهانی تجارت: چالش‌ها و فرصت‌ها**، پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۷، ۱۳۸۸.

۶.سپهوند، مهرداد، **آزادسازی مالی و چالش‌های بخش بانکی ایران در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی**، تازه‌های اقتصاد، سال هفتم، ۱۳۸۸، شماره ۱۲۵.

۷.صادقی نشاط، امیر و مرتضی پورمیرغفاری، **بانکداری بدون ربا و آزادسازی خدمات بانکی در سازمان تجارت جهانی**، فصلنامه مطالعات خصوصی، دوره ۴۷، ۱۳۹۶، شماره ۴.

۸.صادقی، محسن، **اصول خدمات بیمه در سازمان تجارت جهانی و آثار الحاق ایران به آن**، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۴، شماره ۸.

۹.قلی‌زاده منقوطای، احد و دینا توسلی‌نیا، **تعهدات خاص اعضای سازمان تجارت تحت موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و تعارضات آن با قوانین ایران**، دوره اول، ۱۳۹۹، شماره ۴.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۰. گالاچر، اسکات، **موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات سازمان تجارت جهانی و تجارت بین‌المللی خدمات حقوقی**، ترجمه مسعود کمالی اردکانی، مجله حقوقی بین-المللی، سال بیست و پنجم، ۱۳۸۴، شماره ۳۹.

ب) منابع انگلیسی

Books

11. Alexander, K, *Principles of Banking Regulation*, Cambridge: Cambridge University Press, 2019.
12. Christopher, A, *The World Trade Organization Agreements*, Cambridge: Cambridge University Press, 1999.
13. Chaisse J. et al., *Handbook of International Investment law and Policy*, Singapore, Springer, 2021.
14. Dill, A., *Bank Regulation, Risk Management, and Compliance: Theory, Practice, and Key Problem Areas*, Informa Law from Routledge, New York, 2020.
15. Eatwell, J. & Taylor, L., *Global Finance at Risk: The Case for International Regulation*, Wiley, 2000.
16. Cranston, R, *Principles of Banking Law*, Second Edition, Oxford University Press, 2007.
17. Gortsos, Ch, *Fundamentals of Public International Financial Law, International Banking Law within the system of Public International Financial Law*, Nomos, 2012.
18. Herdegen, M, *Principles of International Economic Law*, Oxford: Oxford University Press, 2016.
19. Jain, H, *Trade Liberalization, Economic Growth and Environmental Externalities*, Singapore, Palgrave Macmillan, 2017.
20. VanGrasstek, C, *The History and Future of the World Trade Organization*, Geneva: WTO Publication, 2013.
21. Wendy, D & Pierre, J, *Financial Services Liberalization in the WTO*, 1998.
22. Zleptnig, S, *The GATS and internet-based services: between market access and domestic regulation*, Cambridge Review of International Affairs, 2007.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Articles

23. Anwesen, John, "The Prudential Carve-out Clause: is risk the new corrupt moral?", *Pen State Journal of Law & International Affairs*, Volume 4, NO 2, 2016.
24. Kalypso Nicolaidis and Joel Trachtman,"Policed Regulation to Managed Recognition" in *P. Sauve & R.M. Stern, eds., GATS 2000*, Washington DC: Brookings Institute, 2000.
25. Key, Sydney, J., "Trade Liberalization and Prudential Regulation: The International Framework for Financia Services", *International Affars* 75, 1999.
26. Kireyev, Alexei," Liberalization of Trade in Financial Services and Financial Sector Stability", *IMF Working Paper*, WP/02/138, 2002.
27. Marchetti, Juan, "What Should Financial Regulators Know About the GATS?", *unpublished paper for the World Trade Organization*, 2003.
28. M Yokoi-Arai, "GATS Prudential Carve Out in Financial Services and its Relation with Prudential Regulation", 57 International & Comparative Law Quarterly 623, 2008.
29. Raghavan, Chakravarthi, "Financial Services, the WTO and Initiatives for Global Financial Reform", *International Governmental Group of Twenty-Four*, 2011.

Documents

30. Annex on Financial Services, available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/serv_e/10-anfin_e.htm, accessed on: 2022, May 29.
31. Marrakesh Declaration of 15 April 1994, available at: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/marrakesh_decl_e.htm, accessed on 2022, May 29.
32. The General Agreement on Tariffs and Trade (GATT 1947), available at: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/gatt47_01_e.htm, accessed on: 2022, May 29.
33. The General Agreement on Trade in Services (GATS), available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/serv_e/gatsqa_e.htm, accessed on: 2022, May 29.
34. Senate Report number 44 to Congress on 106 Session, FINANCIAL SERVICES MODERNIZATION ACT OF 1999, available at: http://www.congress.gov/, accessed on 2022, May 29.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

35. US-China Trade Relations Growing Steadily, Some Stumbling Blocks Remain', Issue 12, 28 June 2002.
36. World Trade Organization, WTO Doc.S/CSS/W/71, available at: https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=Q:/S/CSS/W71.pdf&Open=True, Last Visit: 12/10/2022.
37. World Trade Organization, WTO Doc.S/CSS/W/27, available at: https://docs.wto.org/gtd/Default.aspx?pagename=Services_4&langue=e, Last Visit: 12/10/2022.

Archive of SID.ir